

حیله کیفری

و فرق آن با

حیله مدنی

به قلم: دکتر محمد جعفر حبیبزاده
استادیار دانشگاه تربیت مدرس



گردیدن امور و بطنی شدن جریان کارها و در نتیجه نارضایتی مردم می‌گردد. در واقع، افراد سودجو با اختفای ماهیت حقوقی دعاوی خود، نظم قضایی را مغشوش می‌سازند. در این مقاله، سعی شده است تا ویژگیهای «حیله» در جرم کلاهبرداری بیان شود و سپس با مقایسه آن با «حیله مدنی» جهات افتراق آنها نیز با یکدیگر مقایسه شود.

در زبان فرانسه، واژه "Fraude" به معنای «حیله و تقلب» از ریشه لاتینی "Fraus" است که معنای ابتدایی آن، ضرر و خسارت بوده و به اعمال خدعه آمیز نیز اطلاق می‌شده است و اما معنای اولیه آن در مفهوم جدید، «حیله و تقلب»، آمده است. واژه مزبور در مقابل واژه انگلیسی "Fraud" است که به معنای «حیله و فریب»، "Deception" به کار رفته است. در واقع واژه "Fraud" در مقابل واژه فرانسوی "Dol" (به معنای حیله و تقلب) قرار می‌گیرد، لیکن با تغییراتی که در طول زمان صورت گرفته، این تعریف در مقابل مفهوم «عمل وانمودسازی متقلبانه از طریق رفتار و گفتار، و به منظور تحصیل مال یا کسب منفعت مالی» آمده است و در این معنا تشکیل دهنده یک سری از جرایمی است که

می‌شود. مقدمه: بارزترین مصداق حیله کیفری، حیله‌ای است که کلاهبردار برای فریفتن مالباخته و خارج کردن مالش از تصرف او به کار می‌برد. کلاهبرداری تحصیل متقلبانه مال دیگری است. عنصر اساسی تشکیل دهنده رکن مادی جرم مزبور «حیله» است که ممیز آن از سایر جرایم علیه اموال است. مصداق حیله تابعی از تحولات اجتماعی و پیشرفتهای صنعتی است که با پیچیده شدن روابط اجتماعی و اقتصادی، جلوه‌های متعدد و تازه‌تری پیدا می‌کند.

حفظ حقوق افراد، لزوم تفسیر مضیق قوانین کیفری و همچنین، رعایت نظم عمومی اقتضا دارد که مشخصات حیله کیفری در مقایسه با حیله مدنی تعیین گردد، تا با تعیین دامنه شمول آن دیگر کسی نتواند با تمسک به بهانه‌های واهی، به دعاوی مدنی خود صبغه کیفری دهد. با تفکیک «بردن مال غیر از طریق حیله و تقلب» از تقلبات مدنی، هر حیله‌ای صبغه کیفری به خود نمی‌گیرد. طرح دعاوی مدنی با ظاهر کیفری، نه تنها بیهوده وقت مراجع کیفری را می‌گیرد، بلکه موجب متراکم

چکیده: «حیله»، روش فریفتن دیگری است که ممکن است به صورت مختلف تظاهر یابد. در مقررات کیفری، مصداقی از «حیله» - به دلیل آثار نامطلوبی که در نظام اجتماعی برجای می‌گذارد - صبغه کیفری به خود گرفته است. اما هر حیله‌ای واجد ضمانت اجرای کیفری نیست زیرا در بعضی از امور، کاربرد حیله ارتباط مستقیمی با نظم اجتماعی پیدا نمی‌کند. حیله کیفری، نوعی از حیله است که مستقیماً نظام اجتماعی و نظم و امنیت عمومی جامعه را خدشه دار کند لذا، اهمیت حفظ نظم عمومی و برقراری امنیت اجتماعی باعث شده که قانونگذار برای برخی از مصداق حیله، ضمانت اجرای کیفری در نظر بگیرد. ویژگی این نوع حیله، آن است که با یک عمل مادی مثبت، و مؤثر در اغفال طرف، همراه است که تمام این ویژگیها در «حیله مدنی» متمرکز نمی‌شوند. در اثر حیله کیفری، باید اغفالی صورت گیرد باید مالی برده شود که مربوط به شخص اغفال شده است. در حالی که در امور مدنی، نتیجه مورد نظر اعم از مال است. شناخت ماهیت حیله کیفری و تمییز آن از حیله مدنی، مستلزم تحقیق و بررسی است که به اجمال، در این مقاله به آن پرداخته

در همه آنها، حيله و فريب از عناصر اصلى تشكيل دهنده ركن مادي است. اين امر در حقوق انگليس، در ذيل بحث "سرفت" مورد بررسى قرار مى گيرد. ناگفته نماند كه ماهيت تعريف ارائه شده براى "Fraud" همان "و انمود سازى غير واقعي" و "واقعي جلوه دادن يك امر غير واقعي" است.

در زبان عربى، حيله و حويله به معنای کاربرد مکر و تزویر است در آنچه که در خفا، برای نیل به حالت یا چیزی، در انسان حاصل می شود. گرچه بیشتر، در امور خبیث و پلید جلوه گر شده است اما گاهی در جهت امور حکمت آمیز نیز، بکار رفته است. چنانکه در وصف خدای متعال هم، واژه «شدیدالمحال» آمده است که واژه «محال» در این کاربرد، به معنای «مکر و حيله پسنديده» است. زیرا ذات اقدس خداوند از فعل قبیح منزّه است. به تعبیر اهل لغت نیز «الحيله» همان «الحول» است که (او) آن به (یاد) قلب شده است که منظور، حالتی است که به واسطه آن امر پنهانی را درمی یابند.

اگر چه «حيله» در امور پسنديده هم به کار می رود ولی غالباً، استعمال آن در راستای امور ناپسند است. يعنى آنچه انسان، به واسطه آن به امری مخفی و پنهانی دست می یابد که از قدرت بر تصرف، چاره جویی، هوشمندی و مکر او حکایت می کند. لذا، «محتال» کسی است که با به کار بردن حيله، قصد و انمود کردن خلاف ظاهر را دارد.

همچنین حيله‌ای که در کلاهبرداری مورد نظر است به معنای فریفتن دیگری و اغفال وی است تا در اثر آن، مال خود را به مرتکب تسلیم نماید. لذا کشف حقیقت امر نیاز به ذکاوت دارد. چنانچه ملاحظه می شود، تعريف اصطلاحی «حيله»، با معنای لغوی آن هماهنگ

است. چرا که از نظر حقوقی «حيله» عبارت از «تظاهر به عملی برای اغفال و فريب دیگری است».

در خصوص سابقه تاریخی موضوع، لازم به ذکر است که سابقه این بحث به «زمان الواح دوازده گانه» و حقوق «رم» بازمی گردد؛ چنانچه در حقوق رم، تدلیس (تدلیس یعنی پنهان کردن و پوشانیدن عیب چیزی) جرم شناخته می شد و تفکیکی بین تدلیس جزایی و مدنی وجود نداشت. در اواخر دوره جمهوری رومی ها، دو نوع تدلیس "Dolus" مطرح گردید: نوع اول آن، مهارت مشروع یک تاجر در نشان دادن مال التجاره خود برای دریافت بهترین قیمت یا فریفتن دزد یا دشمن بود که مجاز تلقی می شد (Dolus Bonus) و این امر نشانگر نوعی زرنگی و هشیاری بود که نه تنها ممنوع نبود بلکه عدم کاربرد آن نیز، نوعی بی عرضگی محسوب می شد. نوع دوم، موارد تشکیل دهنده جرم بود (Dolus Malus) بعدها، این تمایز از بین رفت و واژه تدلیس تنها به معنای دوم تخصیص یافت. در این سیستم حقوقی، واژه "Furtum" به معنای «سلب مال غیر»، شامل سرقت اشیای منقول و اعضای خانواده و بردگان بود که در عصر کلاسیک، مفهوم آن توسعه یافت و شامل سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری و حتی جعل - به مفهوم امروزی - گردید و این امر در آن روزگاران جرم خصوصی تلقی می شد...

شیوع کلاهبرداری به مفهوم امروزی آن، از توسعه جوامع ابتدایی و همچنین ماشینی شدن نسبی فعالیتها ناشی می شود و انتشار آن بیشتر به دوران پس از جنگ جهانی دوم باز می گردد. عنوان مذکور - برای اولین بار - پس از انقلاب کبیر فرانسه، «در سال (۱۷۹۱)» با تصویب قانون جزای انقلابی، مورد حکم

عبدالقدی فالمرکز موارد مندرج در ماده (۶) این قانون ادامه خواهد یافت.

ماده ۴۰۰ در مورد زور مقرری مسئولان قطع خواهد شد.

۱- در صورت ازدواج، رجوع یا نکاح تکلیف قرار گرفتن، باطلان امکان نمی.

۲- خودکشی از سرکوت در دوره های آموزشی (محصول) و آموزش حرفه ای بدون عذر موجه، استلزام از قبول مسئول مناسب بهشتی.

تبصره ۱- در صورت محکومیت کیفری که منجر به بازداشت و زندان شود، مقرری در صورت بازگشت به محکومیت قطع خواهد شد.

ماده ۷۰۰ به سرکوت مسئولان استناد و آرایه های خلافی با توسل به عنوان قانونی از مزایای مقرری قانون به نفع خود استفاده نماید به رد عین یا معادل کمترین نقدی و مقرری در یافتی و نیز تا دو برابر آن جریمه محکوم می شود و چنانچه موجبات استفاده اشخاص نامت را من غیر حق فراهم نماید به جزای نقدی تا سه برابر مقرری محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- کلیه خسارات و جود حاصله از جریمه نقدی مقرری در این قانون جزو درآمد اختصاصی سازمان بهره رسانی و در یک ردیف درآمد هزینه مستقل همه ساله در قانون بودجه منظور و طبق آیین نامه ای که به تصویب هیات وزیران خواهد رسید هزینه می گردد.

تبصره ۲- سازمان بهره رسانی می تواند از هدایا و کمکهای اشخاص حقیقی و حقوقی در جهت اجرای این قانون استفاده نماید.

ماده ۸۰ چنانچه مسئولان این قانون، اشغال، ازدواج یا رجوع خود را متکرم داشته و مقرری دریافت دارند، مجاز ماده ۷۰ این قانون مورد پیگرد قرار خواهد گرفت.

ماده ۸۱ سازمان بهره رسانی کشور مقرری

قرار گرفت. در قوانین مصوب نوزدهم و بیست و دوم ژوئیه همان سال نیز، کلاهبرداری به عنوان جرم مستقلی پیش‌بینی شد و قانونگذار فرانسوی کاربرد هر نوع حيله و تقلبی (Dol) در قراردادها را قابل مجازات اعلام کرد ولی مرجع صالح برای رسیدگی به

وارد شد، رسیدگی به کلاهبرداری در صلاحیت محاکم "جنحه" قرار گرفت و دیوان کشور فرانسه هم با تأکید بر این صلاحیت، بین حيله جزایی و مدنی تفاوت قائل شد و تصریح کرد که حيله جزایی، در صورتی مصداق پیدا می‌کند که اغفال معلول توسل به

در سالهای (۱۹۳۵) و (۱۹۴۴)، کسفیات مشدیدی برای عنوان مزبور پیش‌بینی گردید که مجموعه مقررات مزبور در تدوین قوانین جزایی بسیاری از کشورها - از جمله ایران - مورد استفاده قرار گرفت. مواد ۳۰۰ قانون جزای عرفی مصوب ۱۳۲۵ هـ ق و ۲۳۸ ق.م.ع.

این موضوع را محاکم مدنی اعلام کرد که با اصلاحیه سال (۱۷۹۲)، این صلاحیت به محاکم کیفری انتقال یافت. قبل از



مصوب سالهای (۱۳۰۴) و (۱۳۵۲)، تغییرات بعدی آن در سالهای (۱۳۶۲) و (۱۳۶۷) نیز از مقررات مزبور اقتباس شده است. بحث و بررسی: در موارد متعددی از قوانین کشورهای مختلف، حيله

تصویب "کدناپلئون"، رویه قضایی در امر تفکیک بین دو نوع خدعه "جزایی" (Dol) (Penal و مدنی، Dol Civil) نقش اساسی را به عهده داشت. با اصلاح قانون مجازات در سال (۱۸۱۰)، تحولات قانونگذاری ادامه یافت و کلاهبرداری با وصف خاص، از سرعت جدا شد. اگر چه تا این زمان نیز به دلیل کاربرد لفظ "تدلیس" در عبارت قانونگذاری فرانسه، بین تدلیس مدنی و جزایی خلط مبحث شده بود، اما به موجب فرمان ۹ فریمر سال دوم انقلاب که در قانون (۱۷۹۱)

وسایلی باشد که رعایت احتیاطات عادی و متعارف نیز مانع تأثیر آنها نگردد. بالاخره در سال (۱۹۱۰)، ماده مستقلی به عنوان کلاهبرداری وضع گردید و با به کار بردن اصطلاح "مانورهای متقلبانه" (Manopuvres) به جای تدلیس، دامنه حيله جزایی از حيله مدنی، جدا گردید و حيله جزایی به آن دسته از افعال مهمی منحصر شد که هر فرد متعارف که به امور خود اهتمام می‌ورزد را گول بزند. با گسترش روزافزون کلاهبرداری،

و تقلب واجد ضمانت اجرای کیفری گردیده است که از جمله آنها این موارد است: اول؛ حيله و تقلب به وسیله گفتار مانند: سوگند و شهادت دروغ. دوم؛ حيله و تقلب به وسیله رفتار، مانند: قلب سکه، تقلب در مواد خوراکی و آشامیدنی، غصب عناوین و کلاهبرداری. سوم؛ حيله و تقلب در اسناد و نوشتارها. بنابراین؛ مطلق اعمالی که همراه با حيله و تقلب هستند، جرم تلقی نمی‌شوند. بلکه در بعضی موارد ممکن است توسل به حيله

و تقلب موجب اغفال طرف معامله در انعقاد عقد یا انجام تعهد گردیده باشد که البته در این موارد، ضمانت اجرای آن ایجاد "خیار" برای طرفی است که از عدم توجه یا غفلت و بیاحسن نیت او سوءاستفاده شده باشد. در حقوق مدنی باب مفصلی تحت عنوان "تدلیس و دسیسه و تقلب و غش در معامله و کسب و تجارت" وجود دارد که راجع به ضمانت اجرای موارد فوق، بحث می‌کند. در عین حال به دلیل تأثیری که امور مذکور در اختلال در نظم و امنیت عمومی ایجاد می‌کند، برای بعضی از آنها ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی شده است که از آن جمله، می‌توان به مواد (۱۲۰) تا (۱۲۵) قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ اشاره کرد. لیکن این ضمانت‌های اجرایی به شدت ضمانت‌های اجرایی پیش‌بینی شده برای کلاهبرداری نیست چنانکه اهمیت و درجه تأثیر آنها نیز در ایجاد بی‌نظمی، سلب آسایش عمومی و اختلال در نظام اقتصادی، به پایه کلاهبرداری نمی‌رسد. حیل‌هایی که در کلاهبرداری به کار می‌رود، گاه چنان اختلالی در نظام سیاسی و اجتماعی کشور ایجاد می‌کند که ممکن است حتی، حاکمیت سیاسی جامعه را نیز متزلزل نماید. در مورد حیل‌های جزایی، نه تنها از سادگی و غفلت افراد سوءاستفاده می‌شود، بلکه با توسل به مانورهای متقلبانه، ممکن است افراد هوشیار و آگاهی را که به امور خود اهتمام دارند نیز، اغفال نموده و ایشان را به تسلیم مال به مرتکب وادار نمایند و از آنجا که چنین اعمالی واجد جنبه عمومی است، لذا موجبات ناامنی، اضطراب در جامعه و به خطر انداختن سیستم سالم اقتصادی کشور را فراهم می‌نمایند و در نتیجه باعث سلب امنیت و اعتماد عمومی، ایجاد بی‌نظمی و حتی تزلزل در پایه‌های

حاکمیت سیاسی جامعه می‌شوند و جریان عادی امور و روابط افراد جامعه را مختل می‌کنند. لذا مقتضی است قوای حاکم‌های که با چنین اعمال خطرناکی روبه‌رو می‌شوند برای مرتکبین آن مجازات متناسبی را پیش‌بینی کنند که سایرین نیز ارعاب شوند. بنابراین همانگونه که شکل حیل‌های جزایی از مدنی متفاوت است، آثار مترتب بر هر یک از آنها نیز از هم جداست. به همین دلیل است که وقتی حیل‌های جنبه جزایی پیدا می‌کند، به تناسب آثار مخرب آن، مجازات مرتکبین آن نیز تشدید می‌شود. ویژگی خاص این نوع حیل‌ها که مستلزم مجازات است، توأم بودن آن با یک سلسله اعمال مادی خارجی است. در نتیجه هرچند ماهیت حیل، "دروغ" است، ولی صرف دروغ برای تحقق حیل‌های جزایی کافی نیست. حیل‌های جزایی با انجام "مانور" یعنی عملیات مادی خارجی ملازم دارد (که در حیل مدنی ضرورت ندارد هر چند واژه مانور **Maneuvre** در ماده (۱۱۶) ق.م.فرانسه در مورد "تدلیس" هم به کار رفته است، لیکن با جداسازی عناوین مذکور در اثر تحول حقوق کیفری، دکتترین و رویه قضایی فرانسه نیز مفهوم وسیع‌تری از کلمه مانور را مدنظر قرارداد که در مورد تدلیس مدنی هم به کار رفت. لذا حیطه مانور در تدلیس، وسیع‌تر از حیطه آن در کلاهبرداری است. در کلاهبرداری، مانور باید توأم با اعمال مادی و مثبت باشد، در حالیکه در تدلیس، صرف گفتار دروغ و حتی ترک فعل و سکوت هم کافیهست. به طور کلی و با قطع نظر از جنبه جزایی و مدنی آن، می‌توان گفت "حیل" عبارتست از: "مشتببه ساختن عمدی کسی نسبت به امری". عنصر اساسی مانور متقلبانه و حیل‌های کیفری دروغ و رفتار مادی خارجی مؤید آن است.

این قانون خواهد بود و موظف است آیین نامه‌های اجرایی مربوط را ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ قانون یا هماهنگی کلیه بندها و دستگانه‌های ذریعہ تهیه و جهت تصویب به هیات وزیران تقدیم نماید.

بصره - اجرای این قانون مناع از انجام وظایف قانونی و موارد پنهان بینی شده در اساسنامه کسب و کار (ماده ۱۳۶۲) قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ و کمیته مزبور در چارچوب وظایف قانونی خویش کمترین نسبت به ارائه خدمات مزبور ادامه خواهد داد.

ماده ۱۳۶۲ - وزارتخانه‌ها، سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت، موسسات عمومی و سازمان‌هایی که مشمول قانون بر آنجا مستلزم ذکر نام می‌باشند موظفند همکاری‌های لازم را در زمینه اجرای این قانون با سازمان بین‌المللی کشور معمول دارند.

قانون فوق منقح بر ۱۳ ماده و ۸ تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و چهارم آبان ماه یکصد و سیصد و هفتاد و یک مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۱/۸/۲۷ به تایید شورای نگهبان رسیده است. رئیس مجلس شورای اسلامی - علی‌اکبر ناطق نوری

این نامه اجرایی قانون تأمین زمان و کودکان بی سرپرست

ماده ۱۳۶۲ - منظور و اساس حمایتها و اقدامات اجرایی موضوع این آیین نامه عبارت است از ایجاد امنیت جسمانی و اقتصادی و فراهم کردن زمینه‌ها و موجبات عادی سازی زندگی (زمان و کودکان بی سرپرست موضوع ماده (۲) قانون تأمین زمان و کودکان بی سرپرست که از این پس در این آیین نامه به اختصار قانون نامیده می‌شود.

ماده ۲ - کودکان بی سرپرست مشمول قانون با هماهنگی نیروی انتظامی مورد

قابل ذکر است که فرق اساسی حيله جزایی با حيله مدنی در داشتن ضمانت اجرای کیفری برای نوع اول نیست زیرا ممکن است قانونگذار با توجه به مصالح جامعه و به منظور جلوگیری از مفاسد نوعی، برای بعضی از مصادیق حيله مدنی نیز ضمانت اجرای کیفری پیش بینی کند. چنانکه قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲، برای تدلیس، تطفیف، غش و رقابت مکارانه که از انواع حيله های مدنی محسوب می شوند، مجازات هایی پیش بینی کرده است. به یقین آنچه واجد اهمیت است، آشکال و روش های مورد استفاده در حيله جزایی است که آن را از روش های کاربردی در حيله مدنی، متفاوت می سازد. چرا که خطر آنها برای امنیت و نظام اجتماعی بیشتر بوده، بر وجود نوعی حالت خطرناک در مرتکب آن نیز دلالت می کند. در قوانین کیفری، علاوه بر تعیین ضمانت اجرای شدید برای حيله های جزایی، مفهوم آن نیز مضیق تر از مفهوم حيله مدنی گردیده است. لذا هر گونه عملی که برای فریب دیگران به کار رود، حيله جزایی تلقی نمی شود. ترک فعل و سکوت، هر چند توأم با سوء نیت باشد و منجر به اغفال مالباخته گردد، برای تحقق حيله جزایی کافی نیست، بلکه باید رفتار مرتکب نیز به صورت اقدامات نمایشی و مثبت بوده باشد تا فریب را به صورت مادی و ملموس نشان دهد؛ امور خلاف واقع و ادعاهای موهوم را دارای ظاهری واقعی جلوه دهد و اعتماد دیگران را به حقیقی بودن آنها جلب کند. لذا اگر کسی به تصور این که بدهکار است مبلغی را به دیگری بپردازد و او هم با سکوت خود و با علم به این که طلبکار نیست آن را اخذ کند؛ هر چند اولی متضرر شده است، لیکن چون تحویل گیرنده وجه هیچ گونه اقدام مثبتی که به اغفال طرف

منجر گردد انجام نداده است و فریب مالباخته

● **شیوع کلاهبرداری به مفهوم امروزی آن، از توسعه جوامع ابتدایی و همچنین ماشینی شدن نسبی فعالیتها ناشی می شود و انتشار آن بیشتر به دوران پس از جنگ جهانی دوم بازمی گردد.**

نیز ناشی از حيله وی نبوده است؛ لذا در عرف، توسل به وسایل تقلبی تلقی نمی شود و عملش کلاهبرداری نیست.

دروغگویی، اگر همراه با وسایل متقلبانه نباشد و ظهور مادی و ملموس پیدا نکند، ممکن است موجب تدلیس گردد که ضمانت

● **حسبه های کسه در کلاهبرداری به کار می رود، گاه چنان احتمالی در نظام سیاسی و اجتماعی کشور ایجاد می کند که ممکن است حتی حاکمیت سیاسی جامعه را نیز مستزلزل نماید.**

اجرای آن خیار در حقوق مدنی است. حيله مورد نظر در کلاهبرداری، عبارتست از "یک عمل خارجی" که دروغ های ساده مادام که همراه با اعمال خارجی نباشند، از موارد آن محسوب نمی شوند. دروغ ساده شامل: وعده دروغی، تبلیغات صرف و نظایر آن است. و از انواع حيله مورد نظر در کلاهبرداری نیست. در حالی که ممکن است برای تحقق حيله

مدنی و ایجاد خیار کافی باشد. این نظریه، نه تنها در حقوق داخلی بلکه در حقوق خارجی نیز پذیرفته شده است. به این لحاظ، حقوقدانان کلاهبرداری را در ردیف جرایم ایجابی (Comission) قرار داده و گفته اند که: «مراد از اقدامات خارجی رفتارهای مثبت مادی است که از خود مرتکب یا دیگران سر می زند، یا اوضاع و احوالی است که مرتکبین آن فراهم می کنند و یا برای تأیید اظهارات خود و باوراندن مجنی علیه از آنها سوء استفاده می کنند و یا اجرای اعمال آن دسته از اقدامات نمایشی متقلبانه ای است که هدف از آنها ایجاد اعتقاد در مجنی علیه مبنی بر صحت اظهارات خلاف واقع او باشد. لذا تا زمانی که حيله همراه با اقدامات مثبت نباشد، صرف دروغ، ترک فعل یا امتناع از بیان حقیقت یا سکوت در مقابل امری که به فاعل نسبت داده می شود برای تحقق کلاهبرداری کافی نیست. اگر چه منجر به متقاعد شدن مجنی علیه در تسلیم مال خود، به مرتکب شود. چنانچه مثلاً اگر کسی قبلاً سمت وکالت داشته است حالا از سمت خود عزل شود و این واقعه را نیز به دیگران اعلام ننماید، صرف عدم اعلام و کتمان حقیقت ولو منجر به اغفال دیگران شود؛ "حيله" تلقی نمی شود، مگر آن که به طور شفاهی یا از طریق یک عمل مثبت دیگر، ادعا نماید که هنوز واجد سمت وکالت است. حتی صرف دروغ ساده هم، اعم از شفاهی و کتبی و تکرار آن ولو با فعل یا قول ایجابی - هر چند که از طریق کتابت باشد؛ یا بر آن اصرار ورزد؛ یا مبالغه نماید و یا از طریق رسانه های گروهی بین مردم پخش کند - کافی نیست و لازم است چنین دروغی همراه با وقایع خارجی یا افعال مادی دیگری، همراه باشد. یعنی؛ جنبه نمایشی داشته باشد و به

نحوی صورت گیرد که در ذهن افراد به طور جدی مؤثر واقع افتد. در این جا، نکته مهم، این است که دروغ باید مقارن با افعال مادی باشد و گرنه اگر واقعه مادی پس از تحصیل مال انجام شود؛ حيله مورد نظر تحقق نیافته است. لذا "گارسن" حقوقدان فرانسوی معتقد است که برای تحقق حيله در کلاهبرداری، مؤیدات خارجی نیز باید همراه با دروغ واقع شوند. علاوه بر حقوقدانان، این موضوع در آرا محاکم نیز مورد تأکید قرار گرفته است. شعبه پنجم دیوان عالی کشور ایران در رأی شماره (۶۷۷۶/۱۸۳) مورخ (۶۱/۶/۱) بدین صورت اظهار نظر کرده است که: «اگر کسی مبلغی از دیگری بگیرد و به او قبض بدهد که هر وقت مورد احتیاجش شد مسترد کند، عدم استرداد وجه مزبور مشمول هیچ یک از مواد جزایی نیست»...

دیوان کشور "سوریه" نیز، در رأی (۱۹۸۳) مورخ (۱۹۱۸/۱۰/۲۰) چنین گفته است: «در کلاهبرداری شرط است که فاعل عمل ایجابی انجام دهد. همچنین در رأی شماره (۴۱۳) مورخ (۱۹۸۴/۳/۲۱) و رأی شماره (۱۸۳۶) مورخ (۱۹۷۹/۱۱/۱۱) صرف دروغ عادی را کافی ندانسته است و در رأی شماره (۲۵۵) مورخ (۱۹۱۷/۲/۸) و (۳۸۱) مورخ (۱۹۸۷/۲/۱۱)، انجام عمل مثبت را لازم دانسته است.

در رأی مسورخ (۱۹۳۱/۶/۱۹) و (۱۹۳۳/۱/۱۴)، دیوان کشور "فرانسه"، تظاهر به وقوع حریق یا سرقت اشیاء بیمه شده و گزارش به شرکت بیمه و تقدیم شکایت به پلیس برای جبران خسارت وارده توسط شرکت بیمه، کلاهبرداری دانسته شده است. چنانکه براساس رأی مسورخ (۱۹۳۵/۲/۲۲) هم، توزیع سود موهوم برای

تأمین هدف شرکت در تحصیل اموال یا منافع معین، کلاهبرداری تلقی شده است.

چنانچه ملاحظه می شود در آرا محاکم نیز، همراه بودن دروغ با اعمالی که مؤید آنها باشد، برای تحقق حيله مورد نظر در کلاهبرداری لازم دانسته شده است. در مقابل این نظر، در حقوق "انگلیس" با تعریف وسیعی که برای حيله و فریب آمده است؛ وعده دروغی را به تنهایی و نیز هر آنچه به طور تلویحی حاکی از قصد تقلب مرتکب باشد؛ برای تحقق مانور مورد نظر در کلاهبرداری، کافی دانسته اند و حتی حيله از طریق سکوت "Deception by silence" نیز در رویه قضایی انگلیس، مورد تأیید قرار گرفته است. اراده‌ی تفسیر گسترده از فریب و شمول آن بر سکوت و ترک فعل در حقوق انگلیس؛ زمینه تداخل مصادیق حيله مدنی و کیفری را نیز فراهم کرده است که قابل انتقاد است، درحالیکه در حقوق کشورهای "رومی ژرمنی"، اعمال روشهای معینی از تقلب به دلیل اهمیت و خطراتی که به همراه دارد، حيله "جزایی" تلقی می شود و بقیه نیز در ردیف "حيله مدنی" قرار می گیرد. لذا سکوت، وعده های دروغی و مبالغه آمیز و تهدید و مانند آنها، حيله های جزایی تلقی نمی شوند. شعبه پنجم دیوان کشور ایران در رأی شماره (۲۸۳۷) مورخ (۱۹/۸/۳۰) گفته است که: «هر نوع تقلب، موجب جرم بودن بر طبق موارد کلاهبرداری نیست». همچنین، شعبه دوم دیوان کشور در رأی شماره (۸۲۷۰) مورخه (۲۸/۵/۱۶) چنین اظهار نظر کرده است که: «اگر کسی، وجهی از کسی بگیرد که در مقابل، جنسی به او بدهد و بعداً متکرر گرفتن وجه شده باشد؛ این عمل مشمول مقررات جزایی نخواهد بود». و در رأی شماره

شخصی قرار می گیرد و پس از تحقیقات اولیه و طی مراحل قانونی از طریق مراجع ذیصلاح قضایی به حل و فصل می پردازند. کشور معینی می شود.

نسخه... در صورتی که منظور به منظور حفظ حریم است. کودکان و نوجوانان به روشنی باید آموخته شوند که از جهت روانی و سلامت جسمانی، باید از این روشها اجتناب کنند و به جای آن، روشهای صحیح و سالم را برای حل مشکلات خود به کار ببرند.

ماده... در صورتی که منظور به منظور حفظ حریم است. کودکان و نوجوانان به روشنی باید آموخته شوند که از جهت روانی و سلامت جسمانی، باید از این روشها اجتناب کنند و به جای آن، روشهای صحیح و سالم را برای حل مشکلات خود به کار ببرند.

ماده... در صورتی که منظور به منظور حفظ حریم است. کودکان و نوجوانان به روشنی باید آموخته شوند که از جهت روانی و سلامت جسمانی، باید از این روشها اجتناب کنند و به جای آن، روشهای صحیح و سالم را برای حل مشکلات خود به کار ببرند.

ماده... در صورتی که منظور به منظور حفظ حریم است. کودکان و نوجوانان به روشنی باید آموخته شوند که از جهت روانی و سلامت جسمانی، باید از این روشها اجتناب کنند و به جای آن، روشهای صحیح و سالم را برای حل مشکلات خود به کار ببرند.

ماده... در صورتی که منظور به منظور حفظ حریم است. کودکان و نوجوانان به روشنی باید آموخته شوند که از جهت روانی و سلامت جسمانی، باید از این روشها اجتناب کنند و به جای آن، روشهای صحیح و سالم را برای حل مشکلات خود به کار ببرند.

ماده... در صورتی که منظور به منظور حفظ حریم است. کودکان و نوجوانان به روشنی باید آموخته شوند که از جهت روانی و سلامت جسمانی، باید از این روشها اجتناب کنند و به جای آن، روشهای صحیح و سالم را برای حل مشکلات خود به کار ببرند.

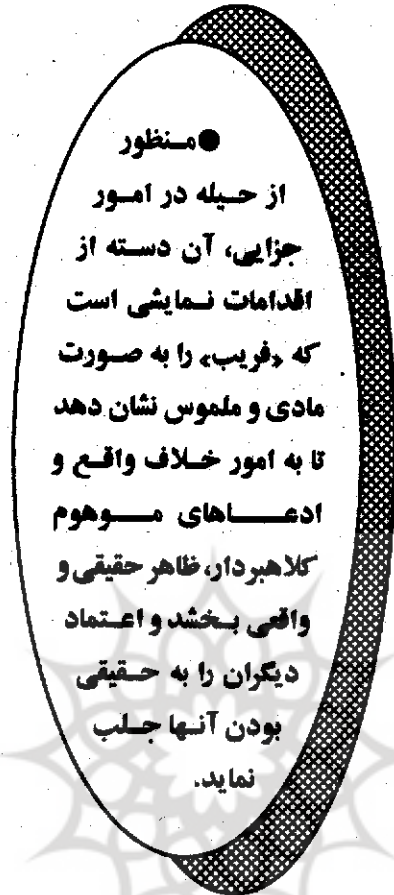
ماده... در صورتی که منظور به منظور حفظ حریم است. کودکان و نوجوانان به روشنی باید آموخته شوند که از جهت روانی و سلامت جسمانی، باید از این روشها اجتناب کنند و به جای آن، روشهای صحیح و سالم را برای حل مشکلات خود به کار ببرند.

ماده... در صورتی که منظور به منظور حفظ حریم است. کودکان و نوجوانان به روشنی باید آموخته شوند که از جهت روانی و سلامت جسمانی، باید از این روشها اجتناب کنند و به جای آن، روشهای صحیح و سالم را برای حل مشکلات خود به کار ببرند.

(۱۴۶۹) مورخ (۱۸/۶/۲۸) شعبه دوم دیوان کشور آمده است که: «صرف نوشتن نامه دروغی و تهدید آمیز به مالک ملکی برای خریدن ملک او به قیمت نازلتر، شروع به کلاهبرداری نخواهد بود.»

صراحت ماده اول قانون تشدید مجازات کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، با به کار بردن عباراتی چون (از راه حيله و تقلب) و (فريب دهند) و (مهدودار نمايد) و (بترساند)؛ نماي کلی حيله جزايی را تبیین نموده؛ به نحوی که برای تحقق آن، ارتکاب عمل مثبت مادی را لازم دانسته است. در کلاهبرداری، توسل به حيله و تقلب، (که مانورهای متقلبانه فرد اجلاي آن است و بردن مال غیر به آن وسیله، هر دو نمایانگر فعل مثبت مادی است. ترک فعل و سکوت نیز، گرچه همراه با سوءنیت بوده و منجر به اغفال مالباخته و تحویل مال به مرتکب حيله گردد، اما کافی نبوده و حيله جزايی تلقی نمی شود. منظور از حيله در امور جزايی؛ آن دسته از اقدامات نمايشی است که «فريب» را به صورت مادی و ملموس نشان دهد تا به امور خلاف واقع و ادعاهای موهوم کلاهبردار، ظاهر حقیقی و واقعی بخشند و اعتماد دیگران را به حقیقی بودن آنها جلب نماید. در واقع شرط اغفال مجنی علیه، از میزات حيله جزايی است. در حالی که در حيله «مدنی»، اغفال صورت نمی پذیرد و صرفاً غفلت طرف، باعث آن می شود که «مدلس» به اهداف خود دسترسی پیدا کند. لذا ارتکاب حيله جزايی برای هرکس میسر نیست. بلکه مرتکب باید از چنان فرست و بهره هوشی بالایی برخوردار باشد که در حيله مدنی لازم نیست. چنان که در کلاهبرداری حيله گر باید چنان وانمود کند و بدانگونه صحنه سازی نماید که صاحب مال با طیب

خاطر، مال خود را تسلیم وی کند و تا زمانی هم که مالباخته مورد اغفال قرار نگیرد، به طور طبیعی مال خود را به کلاهبردار تسلیم نمی کند. قاضی کیفری در سنجش تأثیر وسایل



و مانورهای متقلبانه از ضابطه شخصی بهره می بردن تجربیات، ساده لوحی و خام باوری یا زیرکی و پختگی و همچنین سایر خصوصیات مجنی علیه را برای سنجش اثربخشی وسایل متقلبانه در او، مورد بررسی قرار می دهد؛ لیکن این ارزیابی باید بنحوی انجام شود که نوع مجنی علیه و نه شخصیت انفرادی او مورد ملاحظه و ارزیابی قرار گیرد. در نهایت لازم است که رابطه سببیت بین اغفال مجنی علیه و اقدامات مرتکب نیز، احراز گردد و گرنه مسؤولیت کیفری نخواهد داشت.

نتیجه گیری:

باتوجه به آنچه گفته شد؛ مشخصات حيله

جزايی رامی توان به صورت زیر توصیف نمود:

۱- حيله جزايی باید با عمل مثبت مادی همراه باشد و از طریق اقدامات نمايشی، امری غیر واقع به صورت واقعی نمايش داده شود؛ به نحوی که موجب فريب طرف شده و او را به تسلیم مال خود به حيله گر متقاعد سازد. لذا قلمرو حيله کیفری از لحاظ نوع و هدف، محدودتر از دامنه حيله مدنی است. همچنین سکوت، ترک فعل و دروغگویی اگر همراه با اعمال نمايشی نباشند، در تحقق حيله کیفری کافی نیستند، درحالی که می توانند حيله مدنی محسوب شده و موجب «خيار» شوند.

۲- درجه تأثیر حيله کیفری، در ایجاد بی نظمی و سلب آسایش عمومی و ایجاد اختلال در نظام اقتصادی جامعه، به اندازه ای است که گاهی بنیادهای سیاسی یک نظام را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. درحالی که کاربرد حيله در امور مدنی - اگر چه واجد ضمانت اجرای کیفری نیز باشد - عامل تحقق چنین اثرات وسیع و مهمی نمی تواند قرار گیرد.

۳- حيله مدنی از باب غفلت است و حيله کیفری از باب اغفال. به تعبیر دیگر در امور مدنی، حيله گر اقدام به فعلی نمی کند که طرف را اغفال کند و به اهداف خود برسد؛ بلکه از بی توجهی و غفلت وی سوءاستفاده می کند. در حالیکه اگر مرتکب، اقداماتی انجام دهد که موجب شود طرف مقابل را که شخصاً غافل نیست، اغفال نماید؛ عمل او مصداق حيله کیفری است. در حيله «کیفری» افرادی اغفال می شوند که هشیار بوده و قربانی غفلت خود نمی شوند؛ در حالی که در حيله «مدنی» از بی اطلاعی و غفلت افراد، بدون انجام عمل مادی خاصی بهره برداری می شود.

۴- در امور جزايی از کاربرد حيله به

وسيله تقليبی تعبير شده است که منظور از آن، اتخاذ روش خاصی است در به کار بردن حيله و شرايط آن عبارتست از: متقلبانه و غير واقعی بودن وسيله مورد استفاده، اغفال بزه دیده و وجود رابطه سببیت بین اغفال طرف و حيله به کار برده شده در صورت فقدان هریک از شرايط مذکور، حيله کیفری منتفی است. در خصوص مانورهای متقلبانه نیز که از موارد حيله های کیفری محسوب می شود، علاوه بر اینکه دروغ باید بایک عمل خارجی یا توطئه و دسیسه های آمیخته با مهارت همراه باشد - به نحوی که دروغ همانند یک نمایش سینمایی بتواند بر پرده تصویر ظاهر شده و جنبه واقعی به خود گیرد - به دلیل مقرون بودن آن بایک سری اعمال مادی و خارجی، مستلزم علنی بودن مانور نیز می باشد.

پاورقی:

فهرست منابع:

Oxford advanced learner,s, Dictionary 1981.
 Henry campbil black,M.A.- Black,s Law Dictionary.West Publishing Co,1990
 - The Encyclopedia Americanna, 1991, Vol. 12.
 -Cross Jones and card,introduction to criminal Law, Butterworth,London 1988.
 - Smith and Hogan criminal Law, Butt erworth,London 1988
 اصطفهانی، راهب، مفردات فی فرب القرآن، چاپ دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
 طهین پور، محمد تقی، قانون کیفر همگانی شرکت سهامی چاپ، ۱۳۳۰.

سافندی، یس، محمد، شرح قانون العقوبات، مطبعه الصادق، مصر، ۱۳۰۴ هـ.ق.
 استانبولی، ادیب، شرح قانون العقوبات، المكتبة القانونية، دمشق، ۱۹۹۰، ج. ۲.
 حساد، ابن ابراهیم، جزوه کلاهیرداری، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۲۹.
 الجوزی الشرتونی، سعید، القرب الموارد، کتابخانه آیت... مرعشی، ۱۴۰۳ هـ.ش.
 - حائری شاه باغ، سید علی، شرح قانون مجازات عمومی، چاپ نقش جهان، ۱۳۲۲.
 الخسانی، ریاض - جاک یوسف الحکیم، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، دانشگاه دمشق، ۱۴۱۵.
 ابوزهره، محمد، الجرمه، دار الفکر المرینی، قاهره، ۱۹۷۶.
 سلیمانی پور، محمد، جعل اسناد در حقوق ایران، گنج دانش، ۱۳۵۷.
 صبری - خلیل، روش دادرسی، کتابخانه وزارت دادگستری بی تا.
 الطیعی، فخر الدین، مجمع البحرین، انتشارات مرتضویه بی تا.
 سعید، روف، جرائم الاحکاء علی الاشخاص و الاموال، دار الفکر المرینی، مصر، ۱۹۸۵.
 - عبدالملک، جندی، الموسوعه الجنائیه، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
 - کیهانی، منصور، حقوق رم (تعهدات)، چاپ تابان، ۱۳۲۲.
 حتمین، احمد، مجموعه رویه قضایی، چاپ آفتاب، ۱۳۳۰.
 محمد زکی، ابو هارم علی عبدالقادر القهوجی، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، الدار الجامیه، ۱۹۸۸ م.

و احدی از نگهداری شبانه روزی می شود.
 تبصره ۲ - دختران بی سرپرستی که ولایت سرپرست پدرشان در ولایتهای شبانه روزی ندارند، و یا به تشخیص سازمان بهزیستی از خصلتهای موضوع این آیین نامه بهره مند می شوند.
 تبصره ۳ - به منظور جلوگیری از جناسی فرنگی و نامناسب کودکان از فرنگی بومی خود و نیز نام گذاری زودهنگام با کلمات به خانواده و اطباء، حق استکان کودکان بی سرپرست در سرپرستی محلی تولد یا ثبت در آن محله و پذیرش و نگهداری می شود و در صورتی که در بدو پذیرش، والدین یا بستگان کودک کفالتش می شود، به منظور پیشگیری از ورود کودکان به ولایتهای شبانه روزی و حفظ نهاد خانواده در صورت نیاز نسبت به ترانسفیر جنسیتی محلی، فرنگی و نامتناسب طبق ضوابط و آیین نامه های مربوط اقدام می شود.
 تبصره ۴ - شرایط خانوادگی درخواست دهنده فرزندی و نحوه نگهداری آنها بر اساس دستورالعمل اجرایی مورد عمل سازمان بهزیستی کشور تعیین می شود.
 ماده ۵ - پرداختهای غیر مستمر، ناظر بر درآمدهای منظم و وجه استعفای اجازت و مسائل حقوقی آموزشی کار و تعلیم، تأمین هزینه های درمانی، تغذیه، پوشاک، مسکن، به نسبت شرایط و توانایی جسمی، اجتماعی و اقتصادی مسئولان است که مسئولان در حد امکانات موجود در برنامه های مربوط توسط سازمان بهزیستی کشور و سازمانهای بهرمنشی استغفایه مسئولان بهرمنشد و واحد شرایط اختصاص می یابد.
 تبصره ۶ - مستخدمین ماهانه خانواده هایی که از سرمایه کار و فعالیت و ابزار و وسائل کار استفاده می کنند، حداکثر پس از شش ماه از تاریخ استفاده، قطع می شود.
 ماده ۶ - میزان و مدت پرداختهای مستمر به کارکنان بهرمنشد تعیین می شود.